



«به نام خالق هستی»

نام دلنوشته: دختری از جنس خاک

نویسنده: ناریسیس یوسفی

ژانر: اجتماعی، انگیزشی

[<<www.novelfor.ir>>](http://www.novelfor.ir)



مقدمه:

من دختری از *جنس خاک!
من همه‌ی رمز و رازهای زندگی را می‌دانم. ...
هیچ‌چیز قدرت زمین‌گیر کردن مرا ندارد.
زیرا اسراری در قلب من نهفته است!
و تو چه دانی که این اسرار چیست؟

دلنوشته‌های من،
توسط دختری از *جنس خاک نوشته شده‌اند؛
آن‌ها با جان و دل، نوشته شده‌اند؛
برای خواندن نوشته شده‌اند؛
برای در دل ماندن نوشته شده‌اند؛
آن‌ها نوشته شده‌اند، تا زندگی‌ات را تغییر دهند!
تا شیوه‌ی صحیح زندگی کردن را به تو بیاموزند؛
تا تو را به هر چه که نیازمندی برسانند؛
فقط کافیست کمی به آن‌ها توجه کنی؛
آری. ...

این دلنوشته‌ها از صمیم قلب نوشته شده‌اند،
پس قدرشان را بدان. ...!

گهگاهی که از زمین و زمان دل گیر می شوم،
به آسمان آبی می نگرم،
و با انتقاد به پروردگارم می گویم
که چرا مرا از عنصری دیگر نساخته‌ای؟! ...!
تا هر که زندگی‌ام را به بازی گرفت؛
زندگی‌اش را به آتش بکشم و دنیای او را ویران سازم.
در این زمان پروردگار زیبایی‌ها؛
آرام زمزمه می کند که تو را از برترین عنصر جهان هستی ساخته‌ام،
تا به دیگران زندگی ببخشی!
نه این که دنیا را بر سرشان ویران کنی!
تو را از خاک ساختام تا با قلب کوچکات عشق و امید را در دل همگان جاری کنی. ...
پس به خاکی بودنات ببال!

دختر خاکی!

مطمئن باش روزی از همین روزها؛

تمامی زجرهایی که کشیده‌ای،

همانند منبع قدرتی برای تو می شوند. ...

هیچ قدرتی؛

برتر از زاده‌ی خاکی که ارزش خودش را می داند و باور دارد،

نیست!

ای زاده‌ی خاک!

قدرت تفکر تو همانند اسلحه است؛

پس هیچ وقت آن را خالی نگه ندار!

ای انسان!

اگر می توانی دیگران را شاد کنی،

شاد کن!

دنیا به شادی نیاز دارد. ...

من؛

به دنبال خواب و خیال نیستم!

من؛

در حال شکار اهدافم هستم!

بانوی خاکی!

زمانی که چون یاقوتی درخشیدی،

می فهمی که زندگی،

چرا این قدر به تو فشار می آورد.

انسانی که هستم را؛

از صمیم قلب دوست دارم!
چون برای تبدیل شدن به آن،
سخت تلاش کرده‌ام.

همیشه تلاش کن،
تا یک ملکه شوی!
حتی اگر سرزمینت،
به اندازه‌ی تار موهایت باشد!

ای دختر خاکی!
به دشمنانت ثابت کن؛
که پروردگارت دختری شجاع و موفق خلق کرده است،
نه یک ترسوی ضعیف!

ای دختر خاکی!
قوی باش و به همگان ثابت کن؛
که یک انسان،
هیچ وقت و در هیچ کجا کم نمی‌آورد!

به برنامه‌ریزی‌های پروردگارت اعتماد کن!
مطمئناً برنامه‌ای که خالقت برای تو دارد،

به خاطر حرف مردمان نمی تواند متوقف شود.

زندگی امتحانی بیش نیست!

تو قوی بمان و بدان،

خداوند همیشه و در هر کجا پشتت است. ...

زمانی که دنیا مرا در شرایط سخت قرار می داد،

نمی گفتم چرا من؟

چرا فقط من باید در شرایط سخت قرار گیرم؟

تنها، نگاهم را به روزگار می انداختم و در یک جمله می گفتم:

-نشانت می دهم!

موفقیت هایی که من کسب کردم،

به خاطر جواب برای کسانی است که مرا نادیده گرفتند،

می گفتند من دخترم و نمی توانم!

ولیکن،

من دختری از *جنس خاکم!

همیشه تلاش کردم،

و بدین دلیل درخشیدم.

زمانی که دیگران پشت سر من صحبت می کردند،

ساکت می ماندم.

اما سکوت‌م،

به این معنا نبود که متوجه‌ی حرف آن‌ها نشده‌ام،

به این معنی بود که انرژی و زمان خویش را به‌خاطر نادان‌ها از دست نمی‌دهم!

مشکلات زندگی،

هر بار مرا زمین زدند!

اما مطمئن هستم،

هرگز بر روی زمین نخواهم ماند!

هر بار بلند می‌شوم و در هیچ‌صورت تسلیم هیچ‌چیز نخواهم شد!

خاصیت من،

این است که فراز و فرودهای زندگی‌ام را،

همانند انگیزه می‌دانم!

من به لطف مشکلاتم،

هر بار قوی‌تر از دیروز می‌شوم!

دختری که به تنهایی قوی شدن را یاد می‌گیرد،

دیگر شکست‌ناپذیر می‌شود!

البته این هم بگویم؛

شکست‌ناپذیر کسی نیست که شکست نمی‌خورد،



بلکه کسی است که برخاستن دوباره پس از شکست خود*ردن را یاد گرفته است!
و در این زمان می شود گفت شخصی که از اعماق مشکلات به تنهایی خارج می شود،
حتما قدرت رو به رو شدن با انواع مشکلات را دارد!
پس اگر در موقعیتی سخت قرار گرفته ای،
از چیزی نترس و راهت را ادامه بده؛
زیرا در آخر می توانی خیلی راحت،
به خودت تکیه و افتخار کنی!

کپیست: کندی وی ایکس

جهت دانلود رمان های بیشتر و عضویت در انجمن به www.novelfor.ir مراجعه فرمایید.

